



دکتر قاسم پرتابیان عضو انجمن اقتصاددانان

سری یادداشتهای اقتصادی اجتماعی در راستای توسعه پایدار

(1)

چرا اقتصاد مقاومتی؟

بررسی توانمندی و نواقص اقتصاد کلان کشور نوعی آسیب شناسی در راستای رفع مشکلات اقتصادی ضروری بنظر میرسد.

با نگاهی به تاریخ اقتصاد ایران مشاهده میشود با فراز و نشیبهای جدی روبرو میشویم که به دلیل تحت تاثیر قرار دادن زندگی مردم و حضور نئوکلاسیکی و نامرئی صاحبان قدرت و ثروت نقش پررنگتری به خود میگیرد شاید برای مقابله با چنین روشهایی است که شعارهایی مانند "اقتصاد مقاومتی" توسط مقام عالی کشور مطرح میگردد.

وقتی شعاری مثل "اقتصاد مقاومتی" بیان میشود، اغلب تعابیر و تفاسیر گوناگونی مطرح و آنها نیز در تضاد با یکدیگر است و شاید نظر غالب این باشد چون درآمد مردم کم و سفره آنها خالی شده منظور از "اقتصاد مقاومتی" یعنی ریاضت اقتصادی و گمان مردم این بوده که حتما با فشار تحریمها سفره ها نیز خالی تر خواهد شد و بیان چنین شعاری از طرف رهبر ایران بنظر یاس و واهمه را نیز بین بسیاری از افراد جامعه افزونتر کرد.

البته میتوان چنین هم گفت که بیان این شعار توسط مقام معظم رهبری در بین روشنفکران بویژه آگاهان به اقتصاد ایران معنی متضاد داشته باشد و اینکه برنامه های دولتهای قبلی مخصوصا دولت نهم و دهم شکست خورده، که صد البته چنین نیز بوده است، لذا تمام اقشار جامعه و روشنفکران

بطور خاص بنحوی درگیر شعار "**اقتصاد مقاومتی**" شدند و بار اجرایی و عملیاتی این شعار بر ذمه دولتمردان افتاد چرا که مثلاً شاهد **واردات 90 میلیارد دلاری در سال 90** در مقایسه با **سال 1384 که 16 میلیارد دلار** بودند و حجم واردات به ایران بحدی افزون شد که حدود **15 هزار واحد تولیدی فقط ورشکسته** شدند و کشاورزی و کشاورزی متحمل زیانهای زیادی به دلیل عدم حمایت دولت و بی توجهی دستگاههای ذیربط گردید و جان کلام بیان شعار "**اقتصاد مقاومتی**" در این مقطع در مقابله با بیشتر آسیب پذیر شدن اقتصاد ایران بود.

همه آگاهیم در سالهای 1359-1367 در حالیکه کشور تحریم بود جنگی نابرابر را نیز بر ج. ا. ایران تحمیل کردند، هیچگاه در طی دوران جنگ ما شاهد "**اقتصاد مقاومتی**" یا شعارهایی نظیر آن نبودیم، اما طی دو دوره دولت نهم و دهم، چنین شعارهایی مطرح گردید، این در حالی است که منابع سرشاری ناشی از فروش نفت که در طول تاریخ ایران بیسابقه بود روانه دستگاههای دولتی، نه سیستم تولیدی و اثرگذار در ایجاد رفاه عمومی شد.

البته اگر واقع نگر باشیم، باید مقداری از نظر زمانی به عقب برگردیم که زمینه ساز نابسامانیهای دولت نهم و دهم شدند، از جمله میتوان تاسیس بانکهای خصوصی و مباحث بخش خصوصی که در واقع بنام ملت ولی به کام دولت و مردان دولت و تشکلهای و بخشهایی از درون قدرت و ثروت ظاهر گردید، را نام برد.

آیا باتوجه به نوشته فوق میتوان راهی برای حل "**اقتصاد مقاومتی**" پیشنهاد داد؟ پاسخ حتما مثبت است.

حداقل به دو معیار به دو طریق، اگر چه طرقهای متفاوت و زیادی وجود دارد، لیکن بر دو بخش خارجی و داخلی بطور اختصار بسنده میشود.

الف: خارجی

1. ارتباط تنگاتنگ برای **انجام مذاکرات راهبردی اقتصادی** با کشورهای جهان.
2. استفاده از "**دیپلماسی صرف اقتصادی**" و برنامه ریزی های مرتبط بر این دیپلماسی در جهت منفعت رسانی به اقتصاد کشور.
3. مدیریت خاص **ارتباط با نهادهای اقتصادی بین المللی** جهت کمک به اقتصاد کشور در استفاده از منابع پولی از جمله در استفاده از فاینانس جهت تقویت توان تولید و اشتغال بمنظور توسعه اقتصادی و یابدار.

ب: داخلی

1. وحدت، یکپارچگی، یگانگی و تفاهم همه گروههای فعال در محیط اجتماعی با همراه کردن بخشهای مختلف دانشگاهی در استفاده از علوم روز.

2. در اختیار قرار دادن **تسهیلات با کارمزد تقریبی 7-10%**، زیرا در ایران تسهیلات گرانتر، صرفه اقتصادی ندارد.

3. از بین بردن موانع و بروکراسی هایی که در اقدام عملیات تولید، زمان بر و پرهزینه است.

جمعه 17 اردیبهشت 1395 (06 می 2016)

مطالب منتشر شده قبلی از دکتر قاسم پرتابیان :

مطئنم یک روز از یل خوشبختی خواهم گذشت
(سری یادداشتهای حقوقی اجتماعی در راستای نگاه نو به توسعه پایدار)